



Sociology of Education

A Sociological Study of Permanent Singlehood among Women in Tehran (A Case Study of Women Aged 40-50 in Districts 3, 10, and 19 of Tehran)

Negin Ziyaasghari¹, Talie Khademian²*, Faizollah Nouroozi³

1. PhD Student, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** T_khademian@iau-tnb.ac.ir

Research Paper	Abstract
Receive: 2024/09/01 Accept: 2024/10/26 Published: 2024/11/06 Keywords: permanent singlehood, economic factors, social factors, employment status, educational attainment, value change, distrust. Article Cite: Ziyaasghari N, Khademian T, Nouroozi F. (2024). A Sociological Study of Permanent Singlehood among Women in Tehran (A Case Study of Women Aged 40-50 in Districts 3, 10, and 19 of Tehran), Sociology of Education. 10(2): 264-273.	Purpose: The primary objective of this article is to explore the impact of sociological factors on permanent singlehood among women aged 40-50. Methodology: This research adopts an applied research approach for its purpose and uses a survey method. The study population includes all single women in districts 3, 10, and 19 of Tehran. Sampling methods in this research consist of quota sampling and snowball sampling. This approach begins with familiar and accessible samples, where each respondent leads to the introduction of additional hidden and unfamiliar respondents, thereby gradually expanding the sample size. Findings: The research findings indicate that sociological factors and societal changes, particularly in social and economic dimensions, have influenced women's singlehood. Key sociological reasons influencing permanent singlehood among women aged 40-50 include higher education, employment and financial independence, shifts in values and attitudes toward marriage, women's distrust toward people, especially men, and societal attitudes toward women's higher education. Conclusion: The results demonstrated that sociological factors and societal transformations, particularly in social and economic dimensions, are consistent with the theoretical frameworks proposed by Giddens and Castells (for social factors) and Cross and Pieterse (for economic factors), aligning with the study's findings.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2045101.1647>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



eISSN: 2322-1445

دوره ۱۰ شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۴۰۳ صفحات ۲۶۴-۲۷۳

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

مطالعه جامعه‌شناختی تجرد قطعی دختران شهر تهران (مطالعه موردی دختران ۵۰-۴۰ ساله مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ تهران)

نگین ضیاء اصغری^۱ ID، طلیعه خادمیان^۲ ID*، فیض‌الله نوروزی^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: T_khademian@iau-tnb.ac.ir

چکیده	مقاله تحقیقاتی
هدف: هدف اصلی این مقاله عبارتست از شناخت تاثیر عوامل جامعه‌شناختی بر تجرد قطعی در بین دختران ۴۰-۵۰ سال. روش‌شناسی: روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و روش آن پیمایشی است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه دختران مجرد مناطق ۳-۱۰-۱۹ شهر تهران است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری سهمیه‌ای و نمونه‌گیری گلوله برفی می‌باشد. در این روش، ابتدا کار را با نمونه‌های آشنا و در دسترس آغاز و هر آزمودنی آشنا منجر به معرفی آزمودنی‌های پنهانی و نا‌آشنای بیشتری می‌شود و به مرور اندازه نمونه افزایش می‌یابد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که: عوامل جامعه‌شناختی و تغییر و تحولات که در سطح جامعه به خصوص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی رخ داده است بر تجرد دختران تاثیرگذار بوده است. در این نوشتار از جمله دلایل اصلی جامعه‌شناختی تاثیر گذار بر تجرد قطعی در بین دختران ۴۰-۵۰ سال شامل تحصیلات عالیه، داشتن شغل و استقلال مالی، تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های دختران به ازدواج، بی‌اعتمادی به مردم و مردان از سوی دختران و همچنین نگرش جامعه به تحصیلات عالیه دختران است. نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد عوامل جامعه‌شناختی و تغییر و تحولات که در سطح جامعه به خصوص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی طبق نظریات مطرح شده گود و کاستلز (در عامل اجتماعی) و کراس و پیترسی (در عامل اقتصادی) منطبق بر یافته‌های تحقیق بوده است.	دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ واژگان کلیدی: تجرد قطعی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، وضعیت شغلی، موقعیت تحصیلی، تغییر ارزش‌ها و بی‌اعتمادی. استناد مقاله: ضیاء اصغری ن، خادمیان ط، نوروزی ف. (۱۴۰۳). مطالعه جامعه‌شناختی تجرد قطعی دختران شهر تهران (مطالعه موردی دختران ۴۰-۵۰ ساله مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ تهران). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰(۲): ۲۶۴-۲۷۳.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2045101.1647>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

اساساً یکی از مهم‌ترین مولفه‌های زندگی، ازدواج و تشکیل خانواده است. از این منظر، ازدواج امری مهم برای افراد به حساب می‌آید (Abedi et al., 2024; Emami Khotbesara et al., 2024; Godarzi & Khojaste, 2020; Khorasaniyan, 2022; Rafii & Jamhari, 2018). ولی هم‌اکنون با تغییر و تحولات در این نهاد اجتماعی در جامعه فعلی ایران با توجه به شرایط قابل بررسی، تغییرات در شکل ازدواج و خانواده، باعث پدیده‌ای بنام تجرد قطعی به ویژه در میان زنان شده است. جمعیت‌شناسان، تجرد قطعی را فردی می‌دانند که تا سن ۵۰ سالگی هرگز ازدواج نکرده باشد؛ یعنی فرض بر این است که اگر کسی تا ۵۰ سالگی ازدواج نکند، بعد از آن نیز ازدواج نخواهد کرد یا به عبارتی شانس ازدواج او نزدیک به صفر در نظر گرفته می‌شود (Talebpour & Biranvand, 2022).

موضوع تجرد قطعی نقطه مقابل ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان دیرپاترین نهاد اجتماعی است؛ نهادی که چنان تحولات عمیقی را به لحاظ ساختاری و کارکردی به خود دیده است که برخی را به بیان نظریه‌های زوال و یا تضعیف رو به رشد خانواده وا داشته است. تجرد قطعی از تحت تاثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و عوامل مختلف بسته به شدت تاثیرگذاری در این پدیده نوظهور نقش آفرینی می‌کنند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تجرد قطعی تا قبل از سال ۱۳۷۵ در نوسان بود، اما پس از این سال روند رو به افزایشی داشت. بر اساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱،۱ درصد و برای زنان ۱،۲ درصد بوده است. روند افزایشی تجرد دائم در زنان بسیار بیشتر از مردان است به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان دو برابر شده اما در زنان سه برابر شده است (Tajbakhsh & Nasiri, 2021). هر چند تجرد قطعی در ایران افزایش پیدا کرده اما هنوز در مقایسه با کشورهای مسلمان تفاوت قابل توجهی ندارد. اما در مقایسه با کشورهای شرق آسیا خیلی پایین‌تر است. تجرد قطعی برای مردان و زنان ژاپنی به ترتیب ۱۷ و ۱۲ درصد بوده است. اساساً بالاتر بودن سرعت افزایش تجرد قطعی در زنان در مقایسه با مردان باعث شده تجرد قطعی زنان بیشتر از مردان شود. بالا بودن سرعت افزایش تجرد قطعی زنان شاید به دلیل افزایش سطح سواد و تحصیلات آنان باشد که در آینده بیشتر نمایان می‌شود. برخی بر این باورند که: ادامه تحصیلات به ویژه تحصیلات عالی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری زنان باعث شده تجرد قطعی شده است و از این طریق افراد کم کم شانس ازدواج خود را از دست دهند و همچنین بخشی از آنان بدلیل استقلال مالی تمایلی به ازدواج نشان ندهند. دیگر آنکه عدم شانس انتخاب همسر برای زنان، احتمال افزایش تجرد قطعی زنان را در مقایسه با مردان بیشتر کرده است. این موارد باعث می‌شود روند افزایشی تجرد قطعی زنان احتمالاً ادامه پیدا کند (Tajbakhsh & Nasiri, 2021). در صورتی که خانواده نتواند در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وظایف خود عمل کند، و روند افزایش تجرد قطعی، به‌عنوان عامل منفی عمل خواهد کرد. از آنجائیکه زنان در خانواده به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. لذا هرگونه تغییر در وضعیت آنان می‌تواند پیامدهای بسیاری بر ساختار خانواده به‌جا گذارد.

چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای تحلیل رهیافت‌های مختلف نظری است که به تبیین تغییرات نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به ازدواج و تجرد در جامعه می‌پردازند. این رهیافت‌ها بیانگر آن‌اند که تغییرات خانواده در همه جوامع به شکلی ناگزیر رخ می‌دهند و الگویی از تحولات اجتماعی را به همراه دارند. از میان نظریه‌های موجود، نظریات مرتبط با مدرنیزاسیون و نوسازی، به عنوان تأثیرگذارترین و فراگیرترین چارچوب نظری برای تبیین تحولات خانواده شناخته می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، تغییرات اجتماعی که به‌واسطه‌ی عوامل مختلفی مانند صنعتی‌شدن، گسترش شهرنشینی، افزایش تحصیلات و تغییرات جمعیتی ایجاد می‌شود، تأثیر بسزایی در تغییر ساختار و الگوی روابط خانوادگی دارند. همان‌گونه که تورنتون و فریکه (۱۹۸۷) مطرح کرده‌اند، مدرنیزاسیون و نوسازی به تغییرات خانوادگی به‌عنوان یک نوع سازگاری نظام‌مند با تغییرات نظام اجتماعی پیرامونی می‌نگرند که در آن شرایط اقتصادی و اجتماعی به تدریج تحول می‌یابد و به‌این‌ترتیب خانواده‌ها نیز خود را با این شرایط تطبیق می‌دهند (Shirdel et al., 2022; Vafaeinezhad et al., 2023). از این منظر، تحولات اجتماعی به مثابه تغییری در الگوهای خانوادگی مورد نظر قرار می‌گیرند که انعکاسی از تحولات گسترده‌تر در سایر ابعاد جامعه است.

نظریه نوسازی به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی برای بررسی تغییرات اجتماعی پیچیده و گسترده‌ای که در جریان انتقال جوامع از حالت سنتی به مدرن رخ می‌دهد، به کار می‌رود. این نظریه که بر پایه ترکیبی از مدل‌های مفهومی تکاملی قرن نوزدهم و نظریات کارکردی-ساختاری قرن بیستم است، مبنای نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه‌ی تحولات خانواده را فراهم کرده است (Tajbakhsh & Mohammadi, 2020). ازجمله نظریه‌پردازان مهم در این حوزه، ویلیام گود است که مفهوم مدرنیزاسیون را برای تحلیل سن ازدواج و تفاوت‌های آن در میان جوامع مختلف به کار برده است. گود معتقد است که مدرنیزاسیون با تأثیر بر زندگی فردی و اجتماعی، زمان ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. او بر عواملی همچون گسترش فرصت‌های تحصیلی برای زنان، افزایش اشتغال زنان و گسترش شهرنشینی تأکید می‌کند و بیان می‌کند که این عوامل همگی باعث شده‌اند سن ازدواج در بین افراد، خصوصاً زنان، به تأخیر بیفتد. ویلیام گود در تحلیل‌های خود ازدواج در مناطق شهری و روستایی را مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که در شهرها به دلیل سبک زندگی متفاوت و ضعف کنترل‌های اجتماعی، ازدواج با تأخیر بیشتری انجام می‌شود (Akbari Ghamsari & Mehdizadeh Moghadam 2020).

تحلیل‌های دیگر نیز به نقش توانمندی اقتصادی زنان در به تعویق انداختن ازدواج یا کاهش تمایل آن‌ها به ازدواج پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، برگ کراس و همکاران (۲۰۰۴) بر این باورند که استقلال اقتصادی زنان یکی از عوامل مهمی است که باعث می‌شود بسیاری از زنان به‌جای ازدواج، زندگی مجردی را ترجیح دهند. همچنین فرگوسن (۲۰۰۰) بیان کرده که افزایش فرصت‌های شغلی و استقلال اقتصادی، موجب کاهش تمایل زنان به ازدواج شده است. این تغییرات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در کشورهای آسیایی مانند ایران، سبب تحولات اجتماعی عمیقی شده‌اند. دهه‌های اخیر در این کشورها، شاهد تغییرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی چشمگیری بوده که الگوی زندگی خانوادگی و حتی سن ازدواج را متحول کرده و به مرحله انتقالی جدیدی سوق داده است (Tajbakhsh & Nasiri, 2021; Tajbakhsh & Mohammadi, 2020).

در ادامه این تغییرات اجتماعی، پدیده صنعتی‌شدن و مهاجرت افراد از مناطق کوچک‌تر و روستاها به شهرهای بزرگ‌تر نیز سبک جدیدی از زندگی را به وجود آورده است. این سبک زندگی که با گسترش خوابگاه‌ها و خانه‌های مجردی همراه است، تأثیر بسزایی بر افزایش سن ازدواج داشته و به‌ویژه برای زنان به افزایش تجرد قطعی نیز منجر شده است. مطالعات نشان می‌دهد که این تغییرات ازجمله مواردی است که بر الگوی زندگی خانوادگی تأثیر گذاشته و ساختارهای سنتی خانواده را به تدریج دگرگون کرده است. در چنین شرایطی، زنان به دلیل دسترسی بیشتر به فرصت‌های شغلی و همچنین به‌واسطه‌ی استقلال اقتصادی که پیدا کرده‌اند، دیگر نیازی به ازدواج به‌عنوان ابزاری برای تأمین معیشت خود نمی‌بینند و از این‌رو، به‌راحتی به زندگی مجردی ادامه می‌دهند.

افزایش تحصیلات و دسترسی به فرصت‌های شغلی، در بسیاری از موارد باعث استقلال فردی و اقتصادی زنان شده و آن‌ها را از وابستگی به خانواده جدا کرده است. این استقلال باعث شده که ازدواج دیگر به‌عنوان ضرورتی برای بقا و زندگی مورد توجه قرار نگیرد و به جای آن، افراد بیشتری، به‌ویژه زنان، به تحصیلات و شغل به‌عنوان ابزاری برای تأمین خود و رسیدن به استقلال مالی تکیه کنند. این امر به‌ویژه درباره دختران بسیار مهم است، چرا که آن‌ها با گذراندن تحصیلات و دستیابی به شغل، به استقلال بیشتری دست یافته و این موضوع نیز به نوبه خود باعث تأخیر در ازدواج می‌شود. بر اساس مطالعات مختلف، زنانی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند و به تحصیلات عالی و شغل دسترسی دارند، به مراتب دیرتر از زنانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند ازدواج می‌کنند (Akbari Ghamsari & Mehdizadeh Moghadam 2020; Azizi et al., 2023; Ghanbari Barzain et al., 2023). این تغییرات، الگوی جدیدی از زندگی را معرفی کرده که در آن ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های سنتی شده و ازدواج را به یکی از انتخاب‌های فردی افراد بدل کرده است.

پیتروسی اسمیت نیز در دهه ۱۹۸۰ در تحلیل خود با رویکرد نوسازی به این نتیجه رسید که اگرچه عوامل مؤثر بر ساختار خانواده و نتایج آن‌ها برای جوامع مختلف متفاوت است، اما در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، نتیجه مشابهی به دست آمده که ازدواج دیرتر برای هر دو جنس در پی داشته است (کنعانی، ۱۳۸۵). این نتیجه‌گیری بر اهمیت مدرنیزاسیون و نوسازی در به تعویق انداختن ازدواج تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که این عوامل چگونه در ساختار خانواده تأثیر گذاشته‌اند. همچنین، در دیدگاه نوسازی به فاکتورهای کلیدی مانند گسترش تحصیلات، تغییرات در نیروی کار، اشتغال زنان و شهرنشینی و تأثیر آن‌ها در افزایش یا کاهش سن ازدواج اشاره شده است. این دیدگاه، مدرنیزاسیون را فرآیندی می‌داند که با ترجیح دادن خانواده هسته‌ای و تأکید بر فرد-محوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی و ازدواج با انتخاب آزاد، باعث تأخیر در تشکیل خانواده می‌شود. براساس این رویکرد، بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی خانوادگی و حتی ازدواج، دیگر توسط خانواده یا جامعه تعیین نمی‌شود، بلکه خود افراد در مورد آن تصمیم‌گیری می‌کنند. این تغییرات به نوبه خود باعث شده‌اند که ازدواج به‌عنوان یک انتخاب آزاد و کاملاً شخصی در سنین بالاتر صورت گیرد و افراد در انتخاب همسر و تشکیل خانواده مستقل‌تر عمل کنند. در نهایت، در چارچوب نظری همگرایی ویلیام گود، تغییرات به‌وجود آمده در سن ازدواج و سایر رفتارهای مربوط به تشکیل خانواده، نتیجه دگرگونی‌های به وجود آمده در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان است که این تغییرات حاصل تأثیرات مدرنیته بر جامعه است (Firozjaeian et al., 2018; Fouladiyan & Shojaee, 2020; Rathi & Pachauri, 2018).

در حال حاضر تجرد قطعی نه به‌عنوان یک مسئله شخصی بلکه به‌عنوان یک مسئله جامعه‌شناختی مطرح است و پدیده تجردقطعی به صورت یک مشکل عمومی درآمده است که خانواده‌های ایرانی با آن رو به رو هستند. تجردقطعی زنان از جمله معضلات موجود و روزافزون جامعه زنان کشور و نهاد خانواده است که از علل و عوامل ساختاری، اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فردی و درونی ناشی می‌شود. این وضعیت که غالباً ناخواسته است، در صورت فراوانی مبتلایان، مسائل و مشکلات عدیده‌ای را بر خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به مطالعه جامعه‌شناختی تجرد قطعی دختران ۴۰ تا ۵۰ ساله مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ تهران پرداخته است.

روش‌شناسی

در این روش از آن جایی که به دنبال بررسی تاثیر عوامل جامعه‌شناختی هستیم متضمن نمونه‌یابی مناسب و انتخاب حجم نمونه‌ای هستیم که معرف و نماینده جامعه آماری باشد و قابلیت تعمیم نتایج و داده‌ها را به کل حجم نمونه داشته باشد و در نهایت توصیفی نسبتاً دقیق از جامعه آماری بدست بیاید. بدین منظور ابتدا با طرح سوالاتی به صورت مصاحبه از عوامل جامعه‌شناختی تاثیرگذار بر تجرد قطعی دختران شهر تهران از تعدادی از دخترانی که آشنا و در دسترس بودند سوالاتی پرسیده شد اما این روند به دلیل شرایط خاص موضوع تجرد و سوالات بازی که مطرح می‌شد با پاسخگویی‌های کلی و گاه مبهم روبرو بود و به همین دلیل در گام دوم تصمیم بر آن شدیم تا عوامل تاثیرگذار در دو بعد اقتصادی و اجتماعی طبقه‌بندی و شاخص‌سازی بشود و پس از طراحی پرسشنامه در اختیار حجم نمونه قرار گیرد. ضمن اینکه با ابزار پرسشنامه تحلیل آماری برای بررسی تاثیر عوامل بر متغیر وابسته یعنی تجرد قطعی بهتر قابل تجزیه و تحلیل بود و این روش انتخابی مناسب برای پژوهش‌هایی از این دست است.

جامعه آماری در این پژوهش با توجه به سؤال اصلی جامعه آماری شامل کلیه از دختران مجرد مناطق ۳- ۱۰- ۱۹ شهر تهران تحقیق شده است. جمعیت دختران هرگز ازدواج نکرده در مناطق سه، ده و نوزده تهران در ده سال گذشته جمعاً می‌شود ۵۳۸۹۱ نفر در کل مناطق. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، ابتدا از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و برای تعیین حجم نمونه با در دست داشتن جامعه آماری به وسیله نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه محاسبه شد. فرمول کوکران یک روش تعیین حجم نمونه در روش تحقیق است. این روش توسط ویلیام کوکران در سال ۱۹۳۱ ارائه شد. با استفاده از این فرمول کوکران می‌توان حداقل حجم نمونه لازم برای یک جامعه آماری را برآورد کرد. با توجه به جامعه آماری، حجم نمونه به وسیله کوکران ۳۸۱ نفر محاسبه شد. روش‌های متفاوتی برای انتخاب نمونه آماری وجود دارد اما با توجه به خاص بودن جامعه آماری از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای و نمونه‌گیری گلوله برفی به شناسایی و طرح سوالات از نمونه‌های آماری پرداخته شد. بدین صورت که پژوهشگر ابتدا کار را با نمونه‌های آشنا آغاز می‌کند و هر آزمودنی آشنا منجر به معرفی آزمودنی‌های پنهانی و ناآشنای بیشتری می‌شود و به مرور اندازه نمونه افزایش می‌یابد. در واقع موارد یا افراد، مرحله به مرحله و بر اساس قضاوت و معرفی موردهای قبلی شناسایی می‌شوند. شیوه شناسایی مرحله به مرحله تا زمانی که دیگر موردی قابل شناسایی نباشد و یا مورد، اطلاعات جدید و قابل توجهی ارائه ندهد، ادامه پیدا می‌کند. در این نوع نمونه‌گیری، پاسخ‌گویان بعدی از طریق پاسخ‌گویان قبلی مشخص می‌شوند. این روش معمولاً وقتی مطلوب است که یافتن محل اعضا یک جمعیت ویژه دشوار باشد. در نتیجه، هر پاسخ‌گو به منزله حلقه اتصال پرسشگر برای وصل شدن به پاسخ‌گویان احتمالی دیگر است. تحقیقات اولیه در خصوص پراکندگی حجم نمونه‌ها حاکی از آن بود عمده نمونه‌ها بیشتر می‌توان در سرای محله‌ها، باشگاه‌های ورزشی، کتابخانه‌ها، زبانکده‌ها، کلینک‌های بهداشتی، پارک‌ها، آموزشگاه‌های آموزشی پیدا کرد در هر منطقه به این مناطق مراجعه و در نهایت حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تجرد و تأخیر در ازدواج به یک پدیده اجتماعی و مسئله‌ای عمومی تبدیل شده که بسیاری از خانواده‌ها در ایران با آن مواجه هستند. ازدواج به عنوان یک رویداد اجتماعی، زیستی و فرهنگی نقش مهمی در برآوردن نیازهای اساسی انسان دارد. در حالی که در برخی مناطق با بافت سنتی، ازدواج در سنین پایین مورد تأکید است، در شهرهای بزرگ تجرد تا سنین بالاتر نیز عادی تلقی می‌شود. به‌طور کلی، در ایران ۸۵ درصد دختران در سنین بین ۱۵ تا ۲۹ سال ازدواج می‌کنند، اما برخی از آن‌ها بدون موفقیت در ازدواج به سنین بالاتر می‌رسند و به دلیل انحراف از معیارهای فرهنگی، در معرض برچسب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. این پژوهش به‌ویژه بر بررسی عوامل تأثیرگذار بر تجرد قطعی دختران ۴۰ تا ۵۰ سال در مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ تهران تمرکز دارد.

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش این است که تحولات اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در ابعاد فرهنگی و شغلی، تأثیر عمده‌ای بر تجرد دختران داشته است. افزایش تحصیلات، گرایش به اشتغال و کسب استقلال مالی، تغییر ارزش‌ها و هنجارها و افزایش آگاهی و خودآگاهی از جمله عوامل تأثیرگذار بر تجرد دختران در سنین ۴۰ تا ۵۰ سال در مناطق مذکور است. پژوهش نشان می‌دهد که افزایش سطح تحصیلات به دلیل فرصت‌های شغلی بیشتر و همچنین ارزشمندی جدیدی که تحصیلات به زندگی زنان می‌بخشد، باعث شده بسیاری از زنان، اولویت ازدواج را به تأخیر بیندازند یا از آن صرف‌نظر کنند. تحصیلات بالا به آن‌ها نه تنها استقلال مالی می‌بخشد، بلکه اعتماد به نفس و آگاهی بیشتری برای هدایت زندگی‌شان ایجاد می‌کند. در نتیجه، دختران تحصیل‌کرده بیش از دیگران به تأخیر ازدواج گرایش دارند.

عوامل اجتماعی نیز نقشی کلیدی در تجرد قطعی دختران ایفا می‌کنند. یکی از دلایل عمده، دیدگاه جامعه نسبت به زنان شاغل به‌عنوان افرادی موفق است که می‌توانند با تکیه بر مهارت‌های تحصیلی خود به دیگران کمک کنند. جامعه نسبت به دخترانی که در سطوح بالاتر تحصیل می‌کنند، نگرشی مثبت‌تر دارد و همین موضوع دختران را به ادامه تحصیل و به تبع آن، به تعویق ازدواج ترغیب می‌کند. حضور گسترده‌تر زنان در جامعه، تغییر نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج و کاهش فشار اجتماعی برای ازدواج به موقع، از دیگر عوامل مؤثر بر تجرد قطعی دختران است. با ورود فرهنگ‌های جدید، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در میان جوانان افزایش یافته و هزینه‌های بالای ازدواج از جمله مهریه و جهیزیه به کاهش تمایل به ازدواج منجر شده است.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی به دیگران و افزایش بی‌بند و باری‌های اخلاقی، تأثیرات منفی بر ازدواج دختران گذاشته و باعث شده بسیاری از آنان، ازدواج را یک ریسک بزرگ بدانند. دختران به دلیل بی‌اعتمادی به مردان و عدم اطمینان به پایداری زندگی مشترک، از ازدواج خودداری می‌کنند. افزایش طلاق و تجربیات منفی از ازدواج در جامعه نیز منجر به سرخورده‌گی بسیاری از دختران شده و به گسترش تجرد قطعی دامن زده است. با افزایش بی‌اعتمادی در جامعه، تجرد دختران رایج‌تر شده و بسیاری از آن‌ها ترجیح می‌دهند مجرد بمانند تا اینکه وارد زندگی مشترکی شوند که به نظرشان فاقد ثبات و امنیت است.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تجرد قطعی، تغییرات ارزش‌ها در بین دختران است. شرایط اجتماعی موجود، امکانات متنوع برای پر کردن اوقات فراغت، ارتقای تحصیلات و اشتغال به‌ویژه برای دختران فراهم آورده که آن‌ها را قادر می‌سازد به زندگی مجردی بدون نگرانی از تنهایی ادامه دهند. بسیاری از دختران امروزه نیازی به ازدواج به عنوان راهی برای پذیرش اجتماعی احساس نمی‌کنند، زیرا اشتغال و تحصیلات عالی جایگاه آن‌ها را در جامعه بهبود بخشیده است. در مقابل، افزایش طلاق و نارضایتی در میان زنان متأهل، بسیاری از دختران را از ازدواج دور کرده است. همچنین تجرد دختران به پدیده‌ای رایج و پذیرفته شده در جامعه تبدیل شده است که این امر تا حد زیادی به تغییر ارزش‌ها و عرف‌های اجتماعی و نگاه سودگرایانه مردان به ازدواج برمی‌گردد. عوامل اقتصادی نیز تأثیر مهمی بر تجرد دختران دارند. بسیاری از دختران شاغل که قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود هستند، نگرانی زیادی از تجرد ندارند و داشتن شغل و استقلال مالی به آن‌ها اعتماد به نفس و امنیت اقتصادی لازم را می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد کسانی که رضایت بیشتری از وضعیت درآمدی خود دارند، بیش از دیگران از تجرد حمایت کرده و آن را انتخاب می‌کنند. وضعیت اقتصادی متزلزل و افزایش هزینه‌های زندگی موجب شده که بسیاری از جوانان به جای ازدواج، تجرد را برگزینند. این نتایج با پژوهش‌های دیگری نیز همخوانی دارد که نشان می‌دهد استقلال مالی و درآمد مناسب، به تأخیر در ازدواج یا حتی عدم تمایل به ازدواج منجر می‌شود.

در بررسی دیگر عوامل تأثیرگذار، فضای جغرافیایی و محل زندگی و همچنین پیشینه شغلی والدین نقش چندانی در تجرد دختران ندارد. به نظر می‌رسد عواملی چون محل زندگی یا پیشینه شغلی خانواده تأثیر مستقیمی بر تجرد دختران نداشته باشد، اما موقعیت تحصیلی و وضعیت شغلی دختران نقش قابل‌توجهی در تصمیم به تجرد آن‌ها دارد. تحصیلات عالی، به‌ویژه در میان دخترانی که به دنبال شغلی مناسب هستند، مهم‌ترین دلیل تجرد آن‌ها شناخته شده است. بسیاری از دختران به امید دستیابی به استقلال مالی و آینده‌ای بهتر، به تحصیلات عالی روی می‌آورند که همین موضوع منجر به افزایش سن ازدواج و حتی تجرد آن‌ها می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت تجرد قطعی، تغییر ارزش‌ها و افزایش اهمیت آزادی و استقلال در تصمیم‌گیری است که به‌ویژه در میان زنان تحصیل‌کرده و شاغل به چشم می‌خورد. در بسیاری از کشورها، تحصیلات زنان برداشت آن‌ها از ازدواج را تغییر داده و منجر به تجدیدنظر آن‌ها در رابطه با این موضوع شده است. این پژوهش نیز نشان می‌دهد که تحصیلات و اشتغال به‌ویژه در زنان، باعث شده که آن‌ها ارزش‌های جدیدی برای خود قائل شوند و به ازدواج به‌عنوان تنها مسیر زندگی نگاه نکنند. از سوی دیگر، اشتغال و تحصیلات، فرصت‌های جدیدی برای زنان فراهم کرده و آنان را قادر ساخته است بدون نگرانی از تنهایی و وابستگی به دیگران، به زندگی مجردی ادامه دهند.

در نهایت، می‌توان گفت اشتغال و تحصیلات زنان، از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر افزایش میانگین سن ازدواج و تجرد قطعی دختران است. دختران مجرد با امید به ازدواج مطلوب‌تر در سطوح بالاتر علمی و نیز دستیابی به استقلال مالی، به تحصیلات عالی روی می‌آورند که این انتخاب، احتمال ازدواج آن‌ها را کاهش داده و به تأخیر در ازدواج و حتی تجرد قطعی منجر می‌شود. تغییرات در سبک زندگی، تغییر ارزش‌ها و عرف‌های اجتماعی و تأکید بر تحصیلات و استقلال مالی، ازدواج را به یک انتخاب فردی بدل کرده و منجر به تأخیر در تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده شده است.

این پژوهش به بررسی پدیده تجرد قطعی در دختران ۴۰ تا ۵۰ ساله مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ تهران پرداخته و نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سطح تحصیلات، تأثیر قابل توجهی بر این مسئله دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون، افزایش تحصیلات و اشتغال زنان، و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها به ازدواج، از دلایل اصلی این روند محسوب می‌شوند. نظریه گود در این زمینه بیان می‌کند که گسترش فرصت‌های تحصیلی و شغلی، نقش مهمی در تغییر نگرش زنان نسبت به ازدواج دارد و آن‌ها را به استقلال و تأخیر در ازدواج سوق می‌دهد (Good, 1963). این نتایج با پژوهش‌های دیگری نیز سازگاری دارد؛ برای مثال، مطالعات تورنتون و فریک نشان می‌دهد که افزایش حضور زنان در جامعه و تحصیل، افق‌های جدیدی برای آن‌ها می‌گشاید که به تأخیر ازدواج یا تجرد قطعی منجر می‌شود (Bagheri et al., 2019; Kheiri & Haji Agha, 2016; Zargan, 2018).

عوامل اقتصادی نیز نقش مهمی در تجرد قطعی دارند. براساس نظریه کراس، توانمندی اقتصادی زنان موجب می‌شود که آن‌ها برای تأمین معیشت و امنیت مالی، نیازی به ازدواج نداشته باشند و به همین دلیل ازدواج را به تأخیر اندازند یا از آن صرف‌نظر کنند (Moshfegh & Hosseini, 2013; Rahimi et al., 2015). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دختران مجرد در محدوده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال که درآمد ثابت دارند و از استقلال مالی برخوردارند، تمایل کمتری به ازدواج نشان می‌دهند. در این زمینه، نتایج با پیشین همخوانی دارد که نشان می‌دهد داشتن درآمد مناسب و تمایل به ادامه تحصیل، موجب تأخیر در ازدواج و افزایش تجرد می‌شود (Entezari et al., 2017; Ghaffari, 2007).

همچنین تحصیلات بالا و افزایش سطح آگاهی در میان دختران نیز به عنوان یکی از دلایل تجرد قطعی شناخته شده است. براساس نظریه گود، تحصیلات به زنان فرصت می‌دهد تا نگرش‌های خود را بازبینی کنند و اولویت‌های زندگی‌شان را تغییر دهند (Good, 1963). این پژوهش نشان داد که بسیاری از دختران تحصیل کرده به دلیل توانمندی‌های علمی و شغلی خود، نیازی به ازدواج برای پذیرش اجتماعی احساس نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند از استقلال و آزادی فردی خود لذت ببرند. این یافته‌ها با تحقیقات دیگر نیز سازگار است. به عنوان مثال، در پژوهش‌های مختلفی مشاهده شده است که زنان تحصیل کرده، تمایل به ازدواج در سنین بالاتر یا تجرد دارند و همچنین به نقش تحصیلات به عنوان عامل تأخیر در ازدواج اشاره دارند (Behnam, 2004; Kheiri & Haji, 2016; Agha, 2016; Shahnava & Azadeh, 2018; Tajjari & Aziz Zadeh, 2016).

پژوهش همچنین نشان داد که بی‌اعتمادی به دیگران و افزایش طلاق، از دیگر عوامل مؤثر بر تجرد قطعی است. طبق نظریه گیدنز، افزایش بی‌اعتمادی و گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه مدرن، می‌تواند روابط انسانی را با تزلزل همراه سازد و کیفیت ارتباطات و پیوندهای اجتماعی را کاهش دهد (Giddens, 1992). یافته‌ها نشان داد که بخش زیادی از دختران مجرد از ازدواج به دلیل خیانت و عدم پایداری مردان به تعهدات زناشویی پرهیز می‌کنند.

این نتایج با پژوهش طالب‌پور و بیرانوند (۱۴۰۱) هم‌سو است که نشان می‌دهد سرخوردگی و بی‌اعتمادی به وفاداری مردان از دلایل تجرد قطعی است. یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش این است که تحول ارزش‌های اجتماعی، در کنار تحصیلات و اشتغال، نقش مهمی در تغییر نگرش زنان به زندگی مجردی ایفا کرده است (Talebpour & Biranvand, 2022). عوامل اقتصادی ناپایدار و وضعیت نامناسب بازار کار نیز از دلایل مهم تجرد قطعی شناخته شده‌اند. این پژوهش نشان داد که بسیاری از دختران مجرد به دلیل نگرانی از شرایط اقتصادی و عدم توانایی در تأمین هزینه‌های زندگی مشترک، تمایل کمتری به ازدواج دارند. در نظریه انگلهارت نیز اشاره شده که تحصیلات و امنیت اقتصادی می‌تواند افراد را به سمت ارزش‌های فرامادی و فردگرایانه سوق دهد و در نتیجه، تمایل به ازدواج را کاهش دهد (Abarkht, 2005; Ezzazi, 2008; Ghaffari, 2007; Rahimi et al., 2015).

از سوی دیگر، برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز بر نگرش و رفتار زنان نسبت به ازدواج تأثیر گذاشته‌اند. پژوهش حاضر نشان داد که جامعه نسبت به دخترانی که در سطوح بالاتر تحصیل می‌کنند، نگرشی مثبت‌تر دارد و همین موضوع باعث می‌شود که بسیاری از آن‌ها ترجیح دهند به تحصیلات خود ادامه دهند. بر اساس نظریه گود، تحصیلات بیشتر و اشتغال باعث می‌شود که زنان، تمایل بیشتری به فردگرایی و استقلال پیدا کنند و در نتیجه نیاز به ازدواج را کمتر احساس کنند (Kheiri & Haji Agha, 2016; Tajbakhsh & Mohammadi, 2020).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تجرد قطعی دختران در تهران نتیجه تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی است. تحصیلات، اشتغال، استقلال مالی و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها به ازدواج از جمله عواملی هستند که به شدت بر افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی تأثیر داشته‌اند. نظریات گود و کاستلز، تأثیرات مدرنیزاسیون و تغییرات فرهنگی بر ساختارهای سنتی خانواده را توضیح می‌دهند و نشان می‌دهند که با گسترش این تحولات، بسیاری از زنان دیگر ازدواج

را به‌عنوان یک ضرورت نمی‌بینند و از زندگی مجردی رضایت بیشتری دارند (Abarkht, 2005; Moshfegh & Hosseini, 2013; Rahimi et al., 2015; Zargan, 2018).

به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه ایران در حال تجربه تغییرات عمیقی است که به افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی در زنان منجر شده است. همان‌طور که پژوهش‌های پیشین (Abarkht, 2005; Abbasi Shavazi, 2005; Bagheri et al., 2019; Behnam, 2004; Entezari et al., 2017; Ezzazi, 2008; Ghaffari, 2007; Kheiri & Haji Agha, 2016; Mokhtari & Manshaei, 2021; Moshfegh & Hosseini, 2013; Rahimi et al., 2015; Shahnavaaz & Azadeh, 2018; Tajbakhsh & Mohammadi, 2020; Tajbakhsh & Nasiri, 2021; Tajjaji & Aziz Zadeh, 2016; Talebpour & Biranvand, 2022; Zargan, 2018) نیز تأکید دارند، تحولات اجتماعی و فرهنگی نقش عمده‌ای در این تغییرات دارند. بنابراین، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید با توجه به این یافته‌ها، برنامه‌هایی برای ارتقای وضعیت اقتصادی و رفاهی جوانان و همچنین تقویت فرهنگ ازدواج طراحی کنند.

تشکر و قدرانی

بدین وسیله پژوهشگران از شرکت کنندگان در پژوهش به دلیل مشارکت فعال در پژوهش و از مسئولان آن‌ها به دلیل موافقت جهت انجام پژوهش و انجام پرسشنامه تقدیر و تشکر می‌شود.



References

- Abarkht, F. (2005). *Examining the Reasons for Increasing Age of Marriage Among Girls* Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University]. Tehran.
- Abbasi Shavazi, M. T. (2005). Examining the Relationship of Social and Cultural Factors with Students' Attitudes Toward Premarital Relationships. *Master's Thesis, Shiraz University*. [\[LINK\]](#)
- Abedi, G., Ataiefar, R., & Ghamari, M. (2024). The Effectiveness of Group Marital Conflict Resolution Training Based on Choice Theory on Emotional Divorce and Hope for Life in Married Women. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 5(3), 136-146. [\[LINK\]](#)
- Akbari Ghamsari, A., & Mehdizadeh Moghadam, H. (2020). Comparative Analysis of the Attitude to Marriage and the Factors Affecting it Among University students and Tollabs in Tehran. *Iranian Journal of Sociology*, 20(4), 58-85. [\[LINK\]](#)
- Azizi, F., Mohseni, R., & Hazrati Someeh, Z. (2023). Sociological study of the effect of informal settlements on social harms (Case Study: Kermanshah city). *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 4(8), 132-138. [\[LINK\]](#)
- Bagheri, S., Madahi, J., & Lotfi Khachaki, T. (2019). Constructing the Meaning of Delayed Marriage Age Based on Grounded Theory (Case Study of Female Students in Mashhad). *Women and Family Studies Center*, 17(1), Spring 2019. [\[LINK\]](#)
- Behnam, J. (2004). *Iranians and the Idea of Modernity*. Farzan Publishing.
- Emami Khotbesara, Z., Mahdian, H., & Bakhshipour, A. (2024). Comparing the Effectiveness of Academic Buoyancy and Psychological Capital Training on Academic Procrastination in Female High School Students [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(3), 149-160. [\[LINK\]](#)
- Entezari, A., Ghiasvand, A., & Abbasi, F. (2017). Factors Affecting the Increase in Marriage Age Among Youth in Tehran. *Quarterly Journal of Welfare and Social Development Planning*(33), Winter 2017. [\[LINK\]](#)
- Ezzazi, S. (2008). *Sociology of Family: With Emphasis on the Role, Structure, and Function of the Family in Modern Times*. Roshanfekran and Women's Studies Publishing. [\[LINK\]](#)
- Firozjaeian, A. A., Sadeghi, S., Janmohammadi, V., & Lotfi, T. (2018). Meta-analysis of studies about divorce in Iran. *Journal of Woman and Family Studies*, 6(2), 111-143. [\[LINK\]](#)
- Fouladiyan, M., & Shojaee, M. (2020). Sociological study of divorce proceedings. *Journal of Family Research*, 16(2), 231-257. [\[LINK\]](#)
- Ghaffari, G. (2007). Social Relationships and Values Among Iranian Youth. *Youth Studies Quarterly*(8-9). [\[LINK\]](#)
- Ghanbari Barzain, A., Hashemianfar, A., & Davoodi, B. (2023). Sociological Study of Influencing Factors in the Tendency of Divorced Women to Remarry (Case Study of Isfahan City). *Journal of Applied Sociology*, 34(1), 89-112. [\[LINK\]](#)
- Godarzi, S., & Khojaste, S. (2020). Religious beliefs and religiosity in divorced and non-divorced bank staffs. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 1(3), 8-15. [\[LINK\]](#)
- Kheiri, M., & Haji Agha, M. (2016). A Sociological Examination of Social Harm Due to Increasing Marriage Age from the Perspective of Female Students at Islamic Azad University, Urmia Branch. *Scientific-Research Journal of Sociology Studies*, 9(30), Spring 2016-2125-2138. [\[LINK\]](#)
- Khorasaniyan, M. (2022). Validating Marital Commitment Inventory in Iranian state university students. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 3(3), 7-19. [\[LINK\]](#)
- Mokhtari, S. Z. Y., & Manshaei, G. (2021). Identifying the Phenomenon of Delayed Marriage Among Women: A Grounded Theory. *Scientific-Research Quarterly of Applied Family Therapy*, 2(2), Summer 2021. [\[LINK\]](#)
- Moshfegh, M., & Hosseini, G. (2013). Foresight on Demographic Changes in Iran During the Period 2011 to 2041. *Cultural and Social Knowledge*, 4(1), Winter 2013-2021-2042. [\[LINK\]](#)
- Rafii, S., & Jamhari, F. (2018). The relationship between marital infidelity and lovemaking styles with couples' sexual satisfaction with each other. *Sociology of Education*, 4(1), 158-170. [\[LINK\]](#)
- Rahimi, A., Kazempour, S., & Razaghi Nasrabad, H. B. (2015). Analysis of Singleness Transition in Iranian Men and Women from 1966 to 2011. *Iranian Journal of Social Studies*, 3(31), Fall 2015. [\[LINK\]](#)
- Rathi, P., & Pachauri, J. (2018). Problems faced by divorced women in their pre and post-divorce period: A sociological study with reference to District Meerut. *Journal of Pharmacognosy and Phytochemistry*, 7(1), 207-212. [\[LINK\]](#)
- Shahnavaz, S., & Azadeh, M. A. (2018). Meta-Analysis of Singleness Studies in Iran. *Women's Socio-Psychological Studies*, 16(4), Winter 2018. [\[LINK\]](#)
- Shirdel, E., Hasani, M., & Hamikaegar, F. (2022). Construction of a Successful Inter-Religious Marriage and the Context of Its Formation: A Qualitative Study between Couples in Sistan and Baluchestan Province. *Sociology of Social Institutions*, 8(18), 373-397. [\[LINK\]](#)
- Tajbakhsh, G., & Mohammadi, H. (2020). Examining the Reasons for Youth Inclination Toward Single Life and Avoidance of Marriage. *Population Quarterly*, 27(111-112), Spring and Summer 2020. [\[LINK\]](#)
- Tajbakhsh, G., & Nasiri, M. (2021). Relationship of Economic Variables and Increasing Marriage Age with a Focus on Population Policies. *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 9(1), Spring 2021. [\[LINK\]](#)

- Tajjaji, E., & Aziz Zadeh, M. (2016). Examining Economic and Cultural Factors Influencing Marriage Age in Iran: An Inter-Provincial Study. *Cultural Sociology Research*, 7(3). [\[LINK\]](#)
- Talebpour, A., & Biranvand, M. (2022). Qualitative Study on the Consequences of Permanent Singleness for Women. *Women's Research Institute, Al-Zahra University*, 10(1), Spring 2022-2010-2035. [\[LINK\]](#)
- Vafaeinezhad, F., Koraei, A., & Pasha, R. (2023). Comparison of the Effect of Premarital Education with Selection Method and Knowledge and El Sun's Approach on Communication Beliefs of Students' Fear of Marriage. *Razi Journal of Medical Sciences*, 29(10), 193-202. [\[LINK\]](#)
- Zargan, M. (2018). Exploratory Examination of Reasons for Delayed Marriage Age from the Perspective of Female Students in Tehran. *Women and Family Studies*. [\[LINK\]](#)

